

مدیریتی متفاوت با نگاه به روایات و زندگی

بزرگان و شهدای دفاع مقدس

بسم الله الرحمن الرحيم

پیامبر صلی الله علیه و آله می فرمایند: کسی که کاری را بدون دانش و آگاهی انجام دهد فسادش بیشتر از صلاحش است.

توجه: در کنار رئیس شورای اسلامی یک فرد تحلیل گر و برنامه ریز قرار دهید زیرا عموماً رئیس مجموعه خیلی سرش شلوغ است و ممکن است به دلیل زیادی کارها، مسایل مهمی را از دست بدهد.

فهرست

خط ارتباطی khatfarhangi.blog.ir

۲	فهرست
۶	(۱) جلسه بدون بسم الله :
۶	(۲) خودسازی
۶	(۲-۲) نیت جهانی
۷	(۳) با دروغ نمیشود
۷	داستانی از شهید بهشتی:
۷	(۴) پرهیز از غیبت
۸	(۵) بلاى فضل الله المجاهدین علی القاعدین :
۹	(۶) موثرترین کار فرهنگی :
۹	(۷) ارزانتین کار فرهنگی: "سلام کردن"
۱۰	(۸) در خودسازی فنی و حرفه‌ای فکر نکنید:
۱۰	(۹) ایده فرهنگی از شیطان:

- ۱۰) نظم:..... ۱۱
- ۱۱) بیت المال:..... ۱۳
- ۱۲) توکل..... ۱۳
- ۱۳) اخلاص..... ۱۴
- ۱۴) - در کار جمعی چیزی به اسم ناراحتی نداریم:..... ۱۵
- ۱۵) و لو كنت فظاً غليظ القلبك..... ۱۵
- ۱۶) غرور..... ۱۷
- ۱۷) آینده‌نگری..... ۱۷
- ۱۸) شرک فرد پرستی..... ۱۸
- ۱۹) اگر نمیتوانید کاری را انجام دهید عذر خود را بگویید..... ۱۸
- ۲۰) خود اتهامی : تو خود فکر کن رهبر گروهی..... ۱۹
- ۲۱) جلسه کاری..... ۲۰
- ۲۲) نتیجه یا وظیفه..... ۲۱
- ۲۳) شما که خوبید بیشتر بترسید :..... ۲۱
- ۲۴) اگر ما را دعوت نمی‌کردند خودمان میرفتیم..... ۲۱
- ۲۵) از دیگران بخواهید: شما اول بخواه بعد بگو نمی‌آیند..... ۲۲
- ۲۶) هر جا هستید آنجا را مرکز عالم قرار دارد..... ۲۲
- ۲۷) اگر چای دادن نیاز چای می‌دهم..... ۲۲
- ۲۸) شهید باقری و توکل..... ۲۳
- ۲۹) توجه بسیار به جوان و جوانی : یا ایها العشرون و توجه به ایام مُحَرَّم..... ۲۴
- ۳۰) اول تبلیغات و بعد دعوت از سخنران بزرگ..... ۲۴

- ۳۱) مدیریت زمان ۲۴
- ۳۲) انتقال تجربه و ایجاد رابطه و اطلاع رسانی ۲۴
- ۳۳) شائبه های ناروا ۲۵
- ۳۴) مطالعه زندگی فرماندهان شهید ۲۵
- ۳۵) نقد درون گفتمانی و نقد پذیری ۲۵
- ۳۶) یک لحظه به کارها بگو ایست، البته یک لحظه ۲۶
- ۳۷) وقتی شما مستمعی خوب استفاده کن چرا که از این فرصتها کم گیر میاد ۲۶
- ۳۸) شما خودت را با خدا صاف کن خدا خودش شما را با دیگران صاف میکند ۲۶
- ۳۹) مدیریت از دور نه ، مدیریت در صحنه ۲۷
- ۴۰) استفاده از استعدادها در جای مناسب خود ۲۷
- ۴۱) اگر ده دقیقه وقت دارید همین ده دقیقه و اگر ۲۰ دقیقه و ... : ۲۷
- ۴۲) درس و کار فرهنگی : سخن رهبری ۲۷
- ۴۳) گاهی یک نیرو اثر ویژه‌ای میگذارد که مدیر ندارد : داستان حضرت یونس (علیه‌السلام) ۲۸
- ۴۴) چگونه میتوان کار کرد ولی خسته نشد و بالاترین مزد را نیز دریافت کرد ۲۹
- ۴۵) گزینش نا محسوس ۲۹
- ۴۶) معاون تحلیل و بررسی ۳۰
- ۴۷) همّت بلند در کارها داشتن ۳۰
- ۴۸) اختلاف و عفو و بخشش ۳۱
- ۴۹) - بیست میلیون بار بهشت و بیست میلیون بار جهنم: ۳۳
- ۵۲) - نیّت پاک ۳۴
- ۵۳) - تغییر راهبرد در جهت مناسب : ۳۴

- ۳۴..... (۵۴) لزوم صبر :
- ۳۵..... (۵۶) برنامه‌ریزی برای سنهای مختلف :
- ۳۶..... ۶۰- ظرفیت مسئولیت داشتن
- ۳۶..... ۶۲- چند حدیث
- ۳۷..... ۶۳- توکل بر خدا

(۱) جلسه بدون بسم الله :



اوایل جنگ بود. در جلسه‌ای بنی‌صدر بدون « بسم الله » شروع کرد به حرف زدن.

نوبت که به صیاد رسید به نشانه‌ی اعتراض به بنی‌صدر که آن زمان فرمانده کل قوا بود، گفت: من در جلسه‌ای که اولین سخنرانش بی آنکه نامی از خدا ببرد حرف بزند، هیچ سخنی نمی‌گویم.

(۲) خودسازی

۱-۲) نیت : چگونه می‌توان در یک مسجد کار جهانی کرد؟

دوستان اساساً بدانید روایتی هست به این مضمون که دو نفر مومن داریم که در همه جا و هر زمان با هم هستند و هر کاری را با هم می‌کنند.

ولی در لحظه‌ای که به جهان آخرت می‌روند یکی از آنها دیگری را می‌بیند که اگر چه هر دو هر جا و هر زمان با هم بودند و در اعمال شبیه هم بودند ولی درجات دوستش خیلی بالاتر از اوست؛ آن مومن وقتی علت این تفاوت را در می‌پرسد می‌فهمد که در عین با هم بودن، در همه جا و همه کار دوست او نیت خود را بالاتر قرار داده بود.

۲-۲) نیت جهانی

شاید اگر چه من در نمازخانه‌ای کوچک کار کنم ولی نیت خود را بر این قرار می‌دهم خدایا من دارم برای سربازان گمنام حکومت جهانی امام زمان علیه‌السلام کار می‌کنم؛

چون حکومت امام زمان علیه‌السلام جهانی است پس این کار من ثواب جهانی دارد است. پس نیت خود را همواره بالا و بالاتر قرار دهیم.

یک نکته در احکام شرعی :

در مورد غسل داریم که می‌شود نیت چند غسل کرد و تنها یک غسل گرفت، نیت غسل واجب مورد نظر را کرده و نیت غسل جمعه، غسل زیارت کربلا، غسل زیارت مشهد، غسل شهادت و ... کرد. (اگر جمعه غسل نکردید می‌شود قبل یا بعد آن غسل گرفت.)

(۳) با دروغ نمی‌شود

داستانی از شهید بهشتی:

عده‌ای الآن بهترین موقعیته، برای کمک به پیروزی انقلاب هم هست! نیت بدی هم که نداریم. آمار شهدای ۱۵ خرداد رو بالا می‌گیریم، خیلی بالا، این ننگ به رژیم هم می‌چسبه!
بهشتی بدون تعلل گفت: با دروغ می‌خواهید از اسلام دفاع کنید؟ اسلام با صداقت رشد می‌کنه نه دروغ!

یک سؤال دوستانه

سوالی که همیشه امثال ما که در نظام اسلامی کار می‌کنیم باید با خودمان مطرح کنیم این است که بالاخره هدف از این کارها و کارهای فرهنگی چیست؟ آیا ما نمی‌خواهیم مردم را به سمت خدا حرکت دهیم؟ آیا ما نمی‌خواهیم خود و مردم را به سمت اسلام ببریم؟
پس آیا با دروغ می‌شود به سمت خدا رفت؟
با عصبانیت چطور؟ با غیبت چطور؟ با تمسخر و بدگویی درباره دیگران؟ و ...
با زیر سوال بردن همه کارهای دیگران؟ آیا هیچ کار مثبتی ندارند.

(۴) پرهیز از غیبت

شخصی پیش پیامبر آمد و گفت: فلان مومن درباره‌ی شما این چنین حرفی زد! .
پیامبر گفت : اگر راست گفتی، آبروی برادر مؤمنت را بردی پس از چشم من افتادی!
اگر دروغ گفتی : پس به برادر مؤمنت تهمت زدی و از چشم من افتادی !.

شخص بُهت زده ماند. بالاخره یا راست گفته یا دروغ و در هر دو حالت از چشم پیامبر اُفتاده است! البته حضرت علی علیه‌السلام گفت: برو توبه کن و دیگر این کار را نکن.

دوستان وقتی کسی می‌آید پیش ما و می‌گوید فلانی درباره‌ی شما چنین گفت، ما چطور برخورد می‌کنیم؟! ما تا ته حرفهایی که آن غیبت کننده زده و حرفهایی که زده و حرفهایی که در گذشته زده و حرفهایی که در آینده می‌خواهد بزند، را در نیاوریم؛ مگر بی‌خیال می‌شویم، کاش به همین بود اگر ما بودیم مگر می‌گذاشتیم آن فرد غیبت کننده دیگر حرف بزند، تازه دیگر حق ندارد به مسجد ما بیاید و شیطان و شیطان است و شیطان چقدر فعال تر از من و تو در این موضوع است که شیطان اساساً جایی که خوب است را خراب میکند. شیطان با من و تویی که تو مسجد هستیم کار دارد نه با اون کسی که خودش از شیطان در بدی کردن جلوتر هست.

(۵) بلای فضل الله المجاهدین علی القاعدین :

خداوند تبارک و تعالی در قرآن کریم می‌فرماید: " فضل الله المجاهدین علی القاعدین " خدا مجاهدین در عرصه را از قاعدین و فرماندهان عرصه بالاتر قرار داده است. پس ای برادر فرمانده، بدان اگر پُست تو علی الظاهر بالاتر است ولی اجر سربازانت از تو بالاتر است لذا اولاً: به نیروهات بگو که آنها چه جایگاهی دارند تا روحیه بگیرند و فعال تر شوند.



دوما: شما خودتون نیز برخی اوقات کارهای اجرایی مثل جمع کردن آشغال و تمیز کردن دستشویی را انجام دهید.

شما زندگی فرماندهان جنگ را ببینید :

توی تدارکات لشکر، یکی دو شب، می دیدیم ظرفهای شام را یکی شسته است. نمی دانستیم کار کی است. یک شب مچش را گرفتیم. آقا مهدی بود. گفت: "من روز نمیرسم کمکتون کنم، ولی ظرفهای شب با من."

سوما: از طرفی شما که رئیس هستید باید بیشتر بترسید و نیمه شب از خواب بیدار شوید و در سجده و گریه از خدا بخواهید از این مسئولیت (آزمایش) که به شما داده موفق بیرون بیاید، بیت‌المال هست، آه یتیم ...

۶) موثرترین کار فرهنگی :

آقای قرائتی می گوید که من پس از سی سال کار فرهنگی فهمیدم هیچ کاری مثل دوستی اثرگذار نیست. لذا شما می بینید گاهی دوست که یک قانونی را هیچ وقت اجرا نمی کرده الان در عالم رفاقت و احترام به دوستی با شما رعایت می کند.

۷) ارزانترین کار فرهنگی: "سلام کردن"

گاهی اوقات اتفاق افتاده است که شما دوست دارید فلان شخص به شما سلام دهد تا با او دوست شوید او نیز به همین قدر دوست دارد شما زودتر به او سلام دهید و با شما دوست شود. لذا شما از این فن زودتر استفاده کن.

پیامبر سلام الله علیه و آله همیشه زودتر از دیگران به آنها سلام می داد و در این کار از آنها سبقت می گرفت. ما خودمان همیشه وقتی می دیدیم کسی انگار دائما وقتی ما را می بیند راه کج می کند و می رود آن طرف، تا با ما برخورد نکند در این مواقع عمدا او را می گرفتیم و سلام می دادیم و چند دقیقه با او خوش و بش می کردیم.

۸) در خودسازی فنی و حرفه‌ای فکر نکنید:

بعضی از دوستان فکر می‌کنند منظور از خودسازی، این است که اول یک دوره برویم فقط خودسازی و بعد از کار آموزی بیاییم حالا فقط جامعه‌سازی نه این چنین نیست. خودسازی و جامعه‌سازی در کنار هم است. البته که نسبت دارد و غلظت آنها فرق می‌کند. کسی که خودسازی ضعیفی کرده اول این قسمت را برود البته هرچه را که یاد گرفت عمل کند و اصلاً حوادث روزگار نیز این طور است که در طول همین خودسازی مجبور می‌شود آزمایشی در قبال جامعه پس دهد؛ تازه اگر کسی بیاید و در این آزمایش‌ها کنار بکشد اصلاً روش خودسازی صحیحی نداشته است و البته در این آزمایش‌ها هم طوری حواسش باشد که یکدفعه غلظت جامعه‌سازی‌اش بیشتر نشود لذا حفظ این نسبت مهم است.

گاهی هم دوستان نیز به خاطر اینکه از زیر این حرف خودسازی در بروند می‌گویند آقای بهجت گفت: هرچه را که بلد عمل کن آنچه را که بلد نیستی یاد می‌گیری.!

بزرگی چون آیت‌الله بهجت در مسیر رسیدن به خدا استاد داشتند و استاد ایشان آیت‌الله قاضی بود؛ خود آقای قاضی استاد داشتند، ملا حسینقلی همدانی، خود ملا حسینقلی همدانی استاد داشتند و استاد ایشان استاد داشتند.

امام خمینی: همانطور که کلاس درس استاد دارد، کلاس ورزش استاد دارد، کلاس اخلاق استاد دارد سیر الی الله نیز استاد دارد، خود نمی‌توان مهذب شد.

۹) ایده فرهنگی از شیطان:

بزرگی می‌فرماید: اگر در هنگام درس خواندن حتی فکر کنی که آیا این درسی را که داری می‌خوانی برای خدا است یا خیر و مدام فکر خود را مشغول به مسائل دینی کنی، طوری که یک لحظه می‌بینی کلاً از فضای درسی بیرون رفتی چنین فکری از شیطان است.

حتی با اینکه فکر کردن به مسایل دینی بوده جای این فکر کردن هنگام درس خواندن نیست، زیرا شیطان می‌خواهد فکر تو را مشغول کند و از کار مهم بیاندازد. (شیطان برای هر کسی ترفند خاص خود را دارد برای مذهبی‌ها از در مذهب وارد می‌شود).

و در واقع با ضربه‌زدن به درس و زندگی، تو را از کار فرهنگی در آینده باز می‌دارد.

لذا حتی برای مطالعه بزرگان می‌فرمایند: در اول کار بگو خدایا این درس را برای تو می‌خوانم والسلام. و اصلاً نیازی نیست مدام بگویی آیا برای خدا است یا خیر.

-حتی در مورد نماز: شیطان در نماز فکر شما را به کارهای فرهنگی مشغول می‌کند.

-حتی در مورد خواب:

گاهی دوستانی هستند که می‌گویند ما ساعت ۱۲ می‌رویم بخوابیم ولی ساعت ۲ خوابمان می‌برد و مدام فکرمان مشغول است؛

اولاً نباید در ساعتی که برای خواب قرار داده شده و خدا آرامش را در شب قرار داده فکر فرهنگی کرد و هر وقت دیدی فکرت مشغول شده زود قطع کن حتی اگر دیدی فکر مهمی است در دفتر عناوین فرهنگی فقط عنوان آن را یادداشت کن.

دوماً: آنقدر وقت در صف نانوايي، توی اتوبوس و مترو، در پیاده‌روی‌ها تلف می‌شود که به همه‌ی جزئیات این عناوین می‌توان فکر کرد.

سوما: حتی اگر فکر بد به ذهنتان می‌رسد اصلاً اعتنا نکنید و زود قطع کنید و آیت‌الکرسی بخوانید (و فضای ذهنتان را با آیات الهی پر کنید) و سریع از خدا بخواهید که خوابتان ببرد زیرا خوابیدن نیز از خداست. (البته در بقیه امور نیز بخواهید زیرا همه امور به دست خداست).

مقام معظم رهبری می‌گوید: «ما از خدا خواستیم داد شما بخواهید تا ببینید».

دوستان عزیز! نظم چیز بسیار عجیبی است که جز با تمرین و الگوگیری حاصل نمی‌شود. حضرت علی علیه‌السلام در وصیت نامه‌ی خود به امام حسن و امام حسین علیهما‌السلام و تمام کسانی که این وصیت ایشان به آنها می‌رسد وصیت می‌کنند: شما را به تقوای الهی و نظم در امورتان سفارش می‌کنم.

استاد پناهیان: نظم در نماز اول وقت از توجه در نماز مهم‌تر است. چه بسیار کسانی در آن جهان مشاهده کرده‌اند که فرد با یک عمل کوچک ولی منظم به چه مقاماتی رسیده است.

- داشتن تقویم کل سال در یک نگاه، ساعت، دفترچه یادداشت، برنامه روزانه و هفتگی و ماهانه و سالانه بسیار موثر است.

- یکی از علما در دستشویی زبان فرانسه را یاد گرفته‌اند.

- بزرگان می‌فرمایند وقتی را برای خواب تعیین کنید و هر موقع به آن وقت رسیدید دیگر بروید سراغ خواب و اصلاً وقت را جابجا نکنید.

- برنامه‌ریزی ناقص از برنامه‌ریزی نکردن بهتر است.

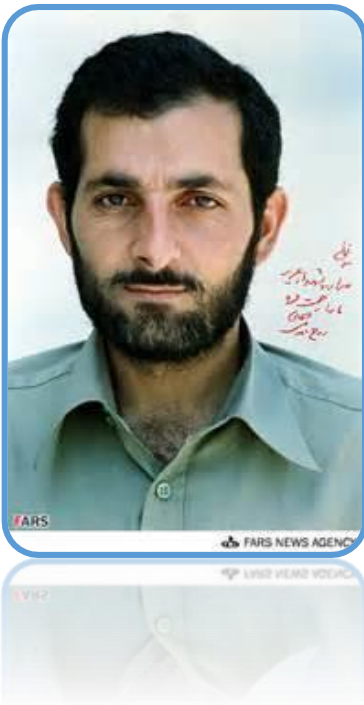
خیلی از دوستان می‌گویند ما هیچوقت نمی‌توانیم به برنامه‌هایمان برسیم باید گفت که اشکالی ندارد با برنامه‌ریزی هرچند که ناقص هم اجرا شود کم کم واقعا آدم منظم‌تر می‌شود. حداقل شب قبل از خواب، برنامه‌ی فردای خود را بنویسید تا صبح تعیین تکلیف شده و پُر انرژی از خواب بیدار شوید و وقتتان گرفته نشود.

- مثلاً در دانشگاه پنجشنبه و جمعه‌ها تعطیل می‌باشد بهتر است که روز پنجشنبه زودتر از خواب بیدار شد و درس‌ها را خواند که بتوان ساعتی را در دعای کمیل شرکت کنیم.

- واقعاً می‌شود یک ساعت، دو ساعت یا بیشتر را از وقت‌های اتلافی در آورد و به برنامه‌های اساسی برای جامعه دست زد بدون اینکه وقت خود ما گرفته شود. کافی است دست به یادداشت و برنامه‌ریزی بزنید و وقت‌های اضافی خود را بنویسیم.

دوستان طبق تحقیقات انسان به بیشتر از ۸ ساعت خواب نیاز ندارد و از طرفی خواب زیاد ضرر هم دارد. پس مواظب باشید وقتتان را با خواب زیاد تلف نکنید.

(۱۱) بیت المال:



همسر شهید مهدی باکری:

۱* به او گفتم: "توی راه که برمی گردی، یه خرده کاهو و سبزی بخر."

گفت: من خیلی سرم شلوغه، می ترسم یادم بره. روی یه تیکه کاغذ هر چی میخوای بنویس. به من بده.

همان موقع داشت جیبش را خالی میکرد. یک دفتر یادداشت و یک خودکار درآورد گذاشت زمین. برداشتمشان تا چیزهایی که می خواستم داخل دفترچه بنویسم. یک دفعه بهم گفت: ننویسیها

گفتم: مگه چی شده؟

گفت: اون خودکار مال بیتالماله.

گفتم: من که نمی خوام کتاب باهش بنویسم. دو سه تا کلمه بیشتر که نیست.

گفت: "نه."

(۱۲) توکل

روش صحیح اسلامی کارها این است که ابتدا تفکر و برنامه ریزی کنیم، بعد مشورت، بعد شناخت مواضع دشمن، بعد شناخت مواضع خودی بعد توکل؛

پس توکل تنها کارساز نیست و تدبیر تنها کارساز نیست و هر دو باید با هم باشند.

چه بسیار قصه‌هایی که تدبیر بوده ولی توکل نبود مثل جنگ احد که همه چیز بود ولی توکل نبود.

(۱۳) اخلاص

گاهی می‌بینیم هر کاری که می‌کنیم نتیجه‌ی مطلوب حاصل نمی‌شود و به اندازه‌ی زحمتی که کشیده‌ایم نتیجه حاصل نشد. در این مواقع حتماً به اخلاص فردی خود و اخلاص گروه‌تون توجه کنید آیا اخلاص داشته‌اید یا خیر؟

کار را واقعاً برای خدا انجام داده‌اید یا خیر؟ تشکر از خدا و خلق خدا کرده‌اید یا خیر؟

یک نکته :

-گاهی اوقات تنهایی و شکسته دلی خوب است:

گاهی اوقات می‌بینی در عین اینکه این همه نیرو داری، ولی مجبور شده‌ای کاری را به تنهایی انجام بدی، گاهی اوقات آنجایی که انتظار داشته‌ای دوستان حمایت کنند غفلت کرده‌اند، گاهی برنامه‌ای چیده‌ای و انتظار داشته‌ای چند صد نفر بیایند ولی چند نفر بیشتر نیامده‌اند و خلاصه تنها شده‌ای و دلت شکسته است.

*شهید چمران: دوست دارم تنهاترین آدم‌ها باشم، مظلوم‌ترین آدم‌ها باشم، زیرا در

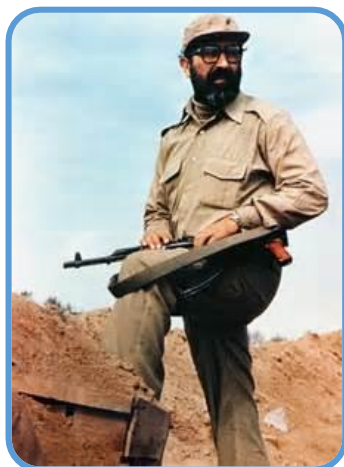
این حالت به تو ای خدایم نزدیکترم.

*امام علی‌علیه‌السلام : دنیا دو روز است روزی به نفع تو و روزی بر علیه تو .

در روزی که به نفع توست مغرور نشو و در روزی که علیه توست صبور باش.

*چه باشد نازش و نالش ز اقبالی و ادباری

که تا بر هم زنی دیده نه این بینی ،نه آن بینی



یک نکته :

*اصلاً خدا نمی‌گذارد تو بیش حد به دیگری وابسته بشوی، از تو آن را می‌گیرد تا تو را متوجه خودش کند.
* خدا نزد دل‌های شکسته است.

-دوستان حتی بدانید خدا بعضی اوقات شما را عمداً تنها و غریب می‌کند تا بدانید نباید به کسی جز خدا تکیه کنید؛ اتفاقاً خدا چون تو را دوست دارد این کار را می‌کند تا در این اوج شلوغی‌ها و مشغله‌های کار، یکدفعه خود را از خدا دور نکرده باشی، یکدفعه نفهمیده می‌بینی چقدر دروغ گفته‌ای، چقدر غیبت کرده‌ای و حواست به خدا نبوده است.

(۱۴) - در کار جمعی چیزی به اسم ناراحتی نداریم:

نکته مهمی که حائز اهمیت است این است که ما اگر ناراحتی در کار فرهنگی ایجاد شد بدانیم اصلاً ناراحت نباید باشیم و اگر ناراحت شدیم (خوب شاید طبیعی باشد) ولی اگر ناراحت ماندیم دیگه این غیر طبیعی است، باید از خودت بررسی مگر این کار برای خدا نبود خوب شاید خدا نخواست این کار انجام گیرد، شاید خدا خواست با این شکست شما را مورد عنایتی یا آزمایشی قرار دهد.
پس وظیفه چیست؟

وظیفه این است دوباره محاسبه کرده، عیب‌ها را دید و اخلاص را بررسی کرد و دوباره با نشاط و درس گرفتن از گذشته اقدام کرد.

(۱۵) و لو كنت فظاً غليظ القلبك

خداوند به پیامبر می‌فرماید: (ای پیامبر) اگر اخلاق خود را درشت (خشن) کنی از دور تو پراکنده می‌شوند. دوستان گاهی اوقات اعضایی از گروه شما کارهایی خطا انجام می‌دهند این خطاها گاهی نیز باعث خراب شدن یک برنامه هم می‌شود، لذا در مورد کاری که اتفاق افتاد دیگر خود را ناراحت نکن (البته که تدبیرها و رفتارها و مهربانی‌ها و محاسبات باید به نحوی باشد که برنامه صحیح و خوب انجام شود ولی وقتی که اتفاق افتاد دیگر تمام و اصلاً ناراحتی بیش از حد خطاست.

در سیره ائمه داریم که می‌گویند ما قبل از اتفاق حادثه‌ای اضطرار داریم ولی وقتی اتفاق افتاد دیگر افتاده است و خدا خواست.

آقای پناهیان می‌گوید: از ائمه داریم که می‌فرمایند اگر مردم حکمت کارهای الهی را می‌دانستند هیچ کس را سرزنش نمی‌کردند.
(البته امر به معروف و تنبیه در جای خود ولی سرزنش و خاک تو سرت ممنوع. اینکه مدام شکست طرف را به یادش بیاری ممنوع.)

- از طرفی می‌گویند وقتی گناه برادر مومن خود را دیدی با ۷۰ دلیل و توجیه آن را کتمان کن.

- این نکات برای این هست که بیش از حد خودت را ناراحت نکنی و خشمگین نشوی.
- همیشه هرگاه نیروهات آن انتظاری را که داشتی بر آورده نکردند و از دست آنها ناراحت شدی با خود بگو این بچه‌ها با تو باشند بهتر است با فلان رفقای بد باشند، آیا بچه‌ها با دوستانی که اصلاً احترامی برای شعائر ندارند باشند بهتر است یا با تو؟
به خودت بگو حداقل با تو که هستی یک مقدار رعایت می‌کنند.

- هر وقت اشتباهی از دیگران دیدی با یادآوری اشتباهات خودت، نفس خود را مهار کن.
اشتباهات را به یادت بیار و به خودت بگو: فلان بد قولی را کردم یا فلان دروغ را گفتم یا فلان چشم‌چرانی را کردم یا فلان عدم اطاعتی که از خدا کردم یا فلان عدم اطاعتی از پدر و مادرم کردم و....
- مواظب شیطان هم باشید زیرا شیطان می‌آید و از اختلافات بین شما استفاده می‌کند.

گاهی اوقات در برنامه‌ها پیروزی نیز به دست می‌آید و دیگران از شما تعریف می‌کنند پناه ببرید به خدا از غرور که چیز ضربه زنده‌ای است و خدا شما را با امتحانات سنگین مواجهه می‌کند.

استاد پناهیان: خدا گاهی امتحان می‌کند تا غرورت را بشکند و یا با ابتلای به شدائد متواضعات می‌کند از طرفی نماز هم برای رفع غرور است پس بهتر است به نماز پردازید و از در افتادن با امتحانات الهی پرهیز کنید.

بگو خدایا ما را با امتحان‌هایی که طاقت آن را نداریم مواخذه نکن.

حضرت علی علیه‌السلام می‌فرمایند: هرگاه کسی از تو تعریف کرد بگو: **اللَّهُمَّ لَا تُؤَاخِذْ نَبِيَّ بِمَا يَقُولُونَ**: خدایا برای آنچه می‌گویند مرا مواخذه نکن.

وَاجْعَلْ أَفْضَلَ مِمَّا يَطْنُونَ: از آنچه می‌پندارند مرا بالاتر قرار بده.

وَاسْتَرْ مَا لَنَا يَعْلَمُونَ: آنچه را که نمی‌دانند را بپوشان.

در خط دوم دعا شما از خداوند می‌خواهید مقام شما بالاتر هم برود و کارهای بیشتری و بزرگتری انجام دهید. بالاخره ما خودمان می‌دانیم که گناہانی هم داریم که در خط سوم دعا می‌خواهیم خدا آنها را بپوشاند.

یکی از فرماندهان جنگ می‌گفت: در یک عملیات ما این طرف رودخانه بودیم و دشمن آن طرف، دشمن هرچه آتش داشت ریخت روی آب و از روی آب نمی‌توانستیم رد شویم.

خلاصه دست آخر بلند شدیم زدیم به توصل و زاری و گفتیم خدایا تو ما رو برسون لب ساحل آن طرف، خودمون می‌دونیم دیگه با عراقی‌ها چکار کنیم؛

از قضا فردا شب زدیم به رودخانه و رسیدیم لب ساحل؛ باور کنید رسیدیم لب ساحل اونطرف، ولی خدا شاهده که یک قدم هم نتوانستیم جلوتر برویم!

دیدیم دیشب ما به خدا گفتیم خدایا ما را برسون لب ساحل و خدا رساند، ولی گفته بودیم خودمان بقیه راه رو می‌رویم ولی نرفتیم.

چون نصف کار رو به خدا سپرده بودیم نه تمام کار رو.

دو نکته از این داستان :

یکی با دعا و توسل می‌شود چه کارها که نکرد.

دوم: اول خدا و آخر خدا و بین این اول و آن آخر هم خدا و بعد هم خدا.

۱۸) شرک فرد پرستی

حضرت علی علیه‌السلام می‌فرمایند:

یکی از حقوق مردم بر رهبر، این است که رهبر باید آنها را آموزش دهد.

-خیلی از افراد بخاطر عدم آموزش و دانایی کافی دچار اشتباهاتی می‌شوند.

-در جنگ احد عده‌ای شایعه‌پراکنی کردند که پیامبر به شهادت رسیده است لذا عده زیادی دچار ناامیدی

شدند و میدان جنگ را ترک کردند و فقط حضرت علی علیه‌السلام و عده‌ی خیلی باقی ماندند.

بقیه‌ی نیروها خیال کردند حالا که پیامبر شهید شده است دیگر اسلام هم تمام شده است. اگرچه پیامبر شهید

بشود ولی خدای پیامبر که هست و باید از اسلام دفاع می‌کردند. نباید وابسته به افراد می‌شدند.

لذا افراد گروه باید بتوانند در زمانی که رهبر گروه حضور ندارد مسائل را حل کنند که دو راه پیشنهاد می‌شود:

۱. کسب کردن توانایی در افراد گروه در حد رهبر گروه

۲. آموزش رهبر گروه به افراد (حفظ خط فرهنگی از ایجاد خط فرهنگی مهمتر است).

۱۹) اگر نمی‌توانید کاری را انجام دهید عذر خود را بگویید

داریم شخصی فقیر به پیش معصوم آمد و تقاضای کمک کرد، معصوم چیزی برای کمک نداشت، لذا با

خوشرویی به او گفت: ان شاء الله بعداً بیایید شاید توانستم کمکی کنم.

-لذا دوستان در همه جا شاید برای شما مقدور نباشد پس با لفظ کریمانه عذرخواهی کنید. دیگر حالا چه برداشتی می‌کند از این حرف‌ها رو بسپار به دست خدا نه بنده خدا.

۲۰) خود اّتهامی : تو خود فکر کن رهبر گروهی

هر یک از افراد گروه باید طوری کار کنند که انگار آنها همه رهبر گروه هستند.

لذا گاهی که اشتباهاتی رخ می‌دهد از طرف هر کسی هم که باشد؛ باید اعضای گروه هر کدام به خود بگویند که مقصّر رخ دادن این اشتباه در واقع خود من هستم زیرا من به عنوان یک عضو نتوانستم طوری کار کنم که جلوی اشتباه دوستم را بگیرم. من نتوانستم ایده‌های خوبی بدهم که چنین مشکلاتی پیش آمده است.

- از طرفی رهبر گروه باید در مواقع اختلافات سعی کند فضای غبارآلود را جمع کند مثلاً:

۱. در دیدار جمعی اعضاء یادآوری کند به اینکه شیطان اتفاقاً جای خوب را خراب می‌کند.

۲. اگر همدیگر را متهم کنیم به زودی گروه از هم خواهد پاشید.

۳. آیا خوبی گروه ما بیشتر هست یا بدی گروه ما؟

۴. از همه بخواد خدا را در نظر بگیرند نه حبّ شخصی و تشخیص من.

۵. حتی در مورد کسانی که با این حرف‌ها سر راه نمی‌آیند، از دوستان نزدیک آنها بخواهید به خاطر رابطه‌ی دوستانه‌ای که دارند برای آنها روشنگری کنند.

۶. خود رهبر گروه، شخصی سراغ آنها رفته و در عذرخواهی هر چند که مقصّر نیست پیش دستی کند.

چرا که در ادبیات اسلامی چنین عذرخواهی بالاترین کرامت و عزت نفس است چرا که همه‌ی عزت مال خداست و با این‌ها عذرخواهی‌ها، عزت کسی پایین نمی‌آید.

- حزب جمهوری اسلامی یکی از احزاب بزرگ انقلاب بود بر اثر حوادثی این حزب دچار اختلاف شد و از هم پاشید در جریان از هم پاشیده شدن آیت‌الله‌خامنه‌ای به آقای جاسبی گفتند: آقای جاسبی بالاخره من یک طرف دعوا هستم و آقای فلانی طرف دیگر دعوا، شما این وسط بمان و کسانی که نه با من‌اند و نه با آقای فلانی، اینها رو دور خودت نگهدار، نکنه یک هو سر از آسیاب دشمن در بیاورند.

یک سؤال آیا ما برای مخالفین هم برنامه داریم؟ نکنند اینها سر از آسیاب دشمن در بیاورند. -مشورت نیز باعث می‌شود که اگر احیاناً شکستی نیز پیش آمد بار شکست بر همه تقسیم شود و یکدیگر را متهم نکنیم.

(۲۱) جلسه کاری

جلسه کاری و پیگیری کارهای انجام شده بگذارید یا در این جلسه به صورت یک اتاق فکر برای مسائل فکر کنید.

جلسه کاری از جمله مواردی است که اعضاء خود را مقید می‌دانند و خود را منضبط می‌کنند، خون تازه در آنها دمیده می‌شود؛

جلسه‌ها را به دو جلسه تقسیم کنید :

جلسه تخصصی: برای نیروهای خاص، بالاخره واقعاً نمی‌شود با ۲۰ تا ۳۰ تا نیرو مشورت کرد و جمع خاصی برای این کار لازم است. زیرا بحث تهذیب این افراد و خیلی کنترل‌های دیگر است. البته هر زمان فرد مناسبی را برای جلسات تخصصی یافتید او را نیز وارد کنید چرا که این هم اشتباه است که او را وارد نکنید.

جلسه عمومی: خاصیت جلسه‌ی عمومی این است که شما به سایر ایده‌ها و نیروها فرصت می‌دهید.

چند دلیل برای برگزاری جلسه‌ی عمومی :

اولاً : بعضی‌ها استعداداند و در این جلسات شناخته می‌شوند.

دوماً : بعضی‌ها آموزش می‌بینند که چطور فکر کنند، ایده‌پردازی کنند و کار کنند و استعداد شوند.

سوماً: اعضا خود را داخل می‌بینند و خود را شریک فکر و ایده‌های سازمان می‌بینند و حس تازگی و دخیل بودن را می‌یابند. هرچه نیروها خود را دخیل‌تر در کارها ببینند بیشتر علاقه‌مند می‌شوند و حتی قدرت کاری آنها بالاتر می‌رود زیرا با علاقه بیشتری کار می‌کنند.

(۲۲) نتیجه یا وظیفه

البته که ما در مورد کارهای فرهنگی دنبال نتیجه هستیم ولی اینطور نباشد که اگر نتیجه حاصل نشد ناامید بشویم چون ما مأمور به وظیفه‌ایم نه کسب نتیجه. بخصوص در مورد کارهای فکری و نرم، زیرا مگر مسأله تغییر فکر کسی، راه‌حل یکی دو روزه دارد، مدت‌ها طول کشیده تا این فرد فلان طرز فکر رو کسب کرده است حالا با دو روز که نمی‌شود، تغییر پیدا کند.

(۲۳) شما که خوبید بیشتر برسید :

فردی شیطان را در خواب دید از شیطان پرسید این زنجیرها که بر دوش داری چیست؟! گفت این زنجیر بزرگ بزرگ برای فلان عالم بزرگ شهر و این زنجیر برای فلانی و این زنجیر برای بهمانی است. فرد پرسید پس زنجیر من کجاست گفت: تو که خودت بدون زنجیر داری میری سمت پرتگاه. -لذا از این داستان درس عبرت بگیریم که شیطان اتفاقاً جایی را که خوب است نشانه می‌گیرد و می‌زند نه جایی که خودش خراب هست و خودشون از شیطان بدترند. -در مواجهه با مشکلات بگوئید فلانی که بچه‌ی بدی نبود؛ می‌گن بهمانی بدش کرد، بگوئید بهمانی هم که بچه بدی نبود. بگوئید این شیطان است که دارد از این فضا سوء استفاده می‌کند. لذا هیچ وقت به شیطان فرصت ندهید.

(۲۴) اگر ما را دعوت نمی‌کردند خودمان می‌رفتیم

رهبر انقلاب می‌فرمایند: قبل از انقلاب ما موضوع سخنرانی را آماده می‌کردیم. اگر دعوت می‌کردند می‌رفتیم سخنرانی و اگر دعوت نمی‌کردند می‌رفتیم و خود خوانده سخنرانی می‌کردیم. برای منبر گاهی دعوت می‌کردند، گاهی هم بی‌دعوت میرفتیم - و هذا هو الغالب - دنبال این بودیم که بالاخره این مطلبی که فراهم کرده‌ایم، این مطالعه‌ای که کرده‌ایم، این منبری که آماده کرده‌ایم، به گوش مردم برسد. ما با آن کسانی که وقتی برای منبر دعوتشان می‌کردند، می‌گفتند که این مقدار باید بدهید، یا چکش را قبلاً باید بدهید، فرق داشتیم؛

(۲۵) از دیگران بخواهید: شما اول بخواه بعد بگو نمی‌آیند

خیلی از ماها نه به مردم آموزش نمی‌دهیم، نه اصلاً از مردم درخواست می‌کنیم، نه از مردم تشکر می‌کنیم، تازه با عصبانیت هم با آنها رفتار می‌کنیم بعد می‌گوییم مردم نمی‌آیند.

(۲۶) هر جا هستید آنجا را مرکز عالم قرار دارد

رهبر انقلاب: در جمهوری اسلامی هر جا که قرار گرفته‌اید، همان جا را مرکز دنیا بدانید و آگاه باشید که همه‌ی کارها به شما متوجه است.

وقتی از من سؤال کردند، بعد از اتمام دوره‌ی ریاست جمهوری چکار می‌کنید؟ گفتم: اگر امام به من بگویند که بروم رئیس عقیدتی-سیاسی گروهان ژاندارمری زابل بشوم، حتی اگر به جای گروهان، پاسگاه بود؛ من دست زن و بچه‌ام را می‌گیرم و می‌روم. یعنی برای من زابل مرکز دنیا می‌شد. به نظر من بایستی با این روحیه کار و تلاش کرد و زحمت کشید؛ در اینصورت، خدای متعال به کارمان برکت خواهد داد. ۷۰/۱۲/۵

(۲۷) اگر چای دادن نیاز چای می‌دهم

رهبر انقلاب:

وقتی من در جایی بودم در ذهنم این بود که اگر حتی به من بگویند تو مسئول چایی ریختن باش، من قبول می‌کنم و می‌روم عبایم را یک گوشه می‌گذارم و آستین بالا می‌زنم و چایی می‌ریزم. واقعاً این روحیه‌ی من بود. من با این روحیه وارد شدم و بارها به دوستانم می‌گفتم که آن کسی نیستم که اگر وارد اتاقی شدم، بگویم آن صندلی متعلق به من است و اگر خالی بود، بروم آنجا بنشینم و اگر خالی نبود، قهر کنم و بیرون بروم. نه خیر، من هیچ صندلی در هیچ جای خاصی ندارم. واقعاً معتقدم برای انقلاب باید اینطور بود. ۶۸/۵/۱۸

۲۸ شهید باقری و توکل

یکی از شهدای که بسیار منظم و بسیار اهل محاسبات و دقت در ریز مسائل، شهید حسن باقری بود حالا بخوانید:



*ده روز پیش گفته بود جزیره را شناسایی کنند، ولی خبری نبود. همه‌اش می‌گفتند «جریان آب تنده، همیشه رد شد. گرداب که بشه، همه چیز رو می‌کشه توی خودش.»

_ خُب چه کنیم؟ می‌خواید بریم سراغ خدا، بگیم خدایا آب رو نگه‌دار؟ شاید خدا روز قیامت جلوت رو گرفت؟ پرسید تو اومدی؟ اگه می‌اومدی کمک می‌کردیم.

اون وقت چی جواب میدی؟

_ آخه گرداب که بشه...

_ همه‌ش عقلی بحث میکنه. بابا تو بفرست، شاید خدا کمک کرد.

۲۹) توجه بسیار به جوان و جوانی : یا ایها العشرون و توجه به ایام مُحَرَّم

در حدیث هست ای بیست ساله‌ها به هوش باشید؛ عزیزان سن بیست سال تا سی سال بسیار سن عجیبی است از نظر عبادت و تغییر و تهذیب به ۲۰ ساله‌های مسجدتان و جامعه بسیار توجه کنید. از طرفی محرم و صفر را دریابید امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: همه ما کشتی نجاتیم ولی کشتی امام حسین علیه‌السلام هم سریع‌تر، هم وسیع‌تر و ...

۳۰) اول تبلیغات و بعد دعوت از سخنران بزرگ

در خیلی از کارهای متداول می‌بینید اول در مورد برنامه‌ای ابتدا حجم عظیمی از تبلیغات را در پیش می‌گیرند و پس از مدتی که ذهن را از این فضا پُر کردند سپس کالای مورد نظر را عرضه می‌کنند.

۳۱) مدیریت زمان

حتما صحبت‌های آقای رائفی پور یا مطالبی که رهبر انقلاب در کتاب "من و کتاب" در مورد مدیریت زمان فرموده‌اند، را بخوانید.

بخش مدیریت زمان وبلاگ khatfarhangi.blog.ir

۳۲) انتقال تجربه و ایجاد رابطه و اطلاع رسانی

رهبر انقلاب می‌فرمایند: ارتباط بین این قشرها را هم تعریف کنید؛ ارتباط ایجاد کنید؛ گاهی هست که بسیج دانشجویی مثلاً از بسیج پزشکان یا بسیج مهندسين یا بسیج صنعتگران بی‌خبرند، اطلاعی از هم ندارند، نه؛ مطلع باشند، ممکن است به درد هم بخورند. هر کدام از بخشهای مختلف همین بسیج قشرها می‌توانند به کار دیگری کمک کنند، به پیشرفت او کمک کنند؛ اینها را تعریف کنید، اینها را در مجموعه‌ی خودتان داشته باشید.

دوستان ارتباط بین قشرها تعریف نمی‌شود مگر اینکه من و شما تجربیات و دانش خودمان را عکس بگیریم، پاورپونت کنیم، پی‌دی‌اف کنیم، مطلب کنیم و در اختیار دیگر دوستان بگذاریم.

۳۳) شائبه های ناروا

در جریان جنگ احزاب یهودیان نقشه کشیدند وقتی که پیامبر از شهر خارج شد بیایند و شهر مدینه را فتح کنند لذا پیامبر به حضرت علی علیه السلام فرمود: علی جان در شهر بمان. یهودیان وقتی دیدند حضرت علی علیه السلام در شهر مدینه مانده و او جنگ‌جوترین یاران پیامبر است از شکست نقشه خود مطمئن شدند؛ لذا شائبه کردند پیامبر دیگر حضرت علی علیه السلام را دوست ندارد. این خبر به گوش حضرت علی علیه السلام رسید حضرت به نزد پیامبر رفت و به پیامبر گفت: ای پیامبر اگر من رو دوست نداری لااقل من را از خودت نران. پیامبر در اینجا متوجه امر شد و حضرت علی علیه السلام را دلداری دادند. لذا در تفسیر آمده شائبه‌های ناروا حتی مردان بزرگ را ناراحت می‌کند. هر چه انسان خودسازی بیشتری داشته باشند انسان عمیق‌تر می‌شود و البته ناراحتی‌ها کمتر ولی خوب بالاخره بحث ناراحت شدن پیش می‌آید.

۳۴) مطالعه زندگی فرماندهان شهید

به عنوان نمونه‌های عملی مدیریت اسلامی همین خاطرات فرماندهی شهدای دفاع مقدس را بخوانید. حقیقتاً درس آموز می‌باشد.

۳۵) نقد درون گفتمانی و نقد پذیری

نقد درون گفتمانی یعنی اینکه ما خودمان را از درون نقد کنیم: حاسبوا قبل ان تحاسبوا. در زمینه نقد اینکه :

رهبری می‌فرمایند: امام علی علیه‌السلام به مالک اشتر توصیه کردند: نصیحت کسی را که حتی با روش بدی تو را نقد و نصیحت می‌کند گوش بده.

۳۶) یک لحظه به کارها بگو ایست، البته یک لحظه

می‌گید بریم نماز جمعه، می‌گه کار دارم.

می‌گید خوب هفته پیش گفتمی کار دارم حداقل این هفته بیاد بریم زیارت امامزاده، می‌گه کار دارم. دوستان واقعا مواظب روزمرگی باشید چه دوستانی که سرشان به کار فرهنگی مشغول است و چه دوستانی که سرشان به کارهای اداری .
یک لحظه توقف بدهید حواستان هست خودتان هم مهم هستید.

۳۷) وقتی شما مستمعی خوب استفاده کن چرا که از این فرصت‌ها کم گیر میاد

اگر دقت کنید می‌بینید که در اکثر برنامه‌ها ما خودمان پشت صحنه هستیم و لذا شاید از ۱۰ برنامه‌ای که گذاشته‌ایم، نشده است حتی از یکی از آنها هم خود ما بهره‌ی معنوی ببریم.
لذا اگر بر حسب اتفاق در برنامه‌ای مجموعه دیگری قرار دارد و شما در واقع مستمع هستید حال فرصت را در یابید و به درستی و با پرهیز از مشغله‌های روزمره نظیر موبایل و غیره، خوب از برنامه استفاده کنید چرا که اگر دقت کنید می‌بینید از این فرصت‌ها کم پیش میاد.

۳۸) شما خودت را با خدا صاف کن خدا خودش شما را با دیگران صاف می‌کند

در حدیث است: اگر می‌خواهید رابطه‌هایتان با همه‌ی مردم خوب شود، شما خودت را با خدا خوب کن خدا رابطه‌ی شما را با مردم خوب می‌کند.
لذا اینجا از آن جاهایی است که بدون وسیله می‌شود کاری را انجام داد. شما خودت را با خدا خوب کن خدا رابطه‌ات رو....

۳۹) مدیریت از راه دور نه ، مدیریت در صحنه

واقعا نمی‌شود یکجا در خارج از محل کار نشست و دستور داد و همه دستورات نیز به درستی انجام شود. از طرفی وقتی که مدیریت از راه دور باشد، تحلیل درستی از فضا و اجرا صورت نخواهد گرفت. در یکی از استانها، استاندار محل زندگی اش خارج آن استان بوده و مثلاً اول هفته می‌آمده و می‌رفته تا هفته‌ی بعد؛ خوب این استاندار اصلاً با تمام پوست و گوشت و استخوانش نمی‌تواند مسائل استان را درک کند.

۴۰) استفاده از استعدادها در جای مناسب خود

این طبیعی است که در یک مجموعه فرهنگی از استعدادهاى مختلف در جای مناسب استفاده شود و سعی شود برای همه‌ی استعدادها برنامه داشته باشیم برای بچه‌های با استعداد درسی، برنامه‌ای بگذاریم که به بقیه‌ی بچه‌ها درس بدهند و برای :

۴۱) اگر ده دقیقه وقت دارید همین ده دقیقه و اگر ۲۰ دقیقه و ... :

در محیط دانشگاهی به دلیل اینکه دانشجویان اکثر وقت را برای درس می‌گذارند، به افراد می‌گفتیم چند دقیقه وقت خالی داری حتی اگر ده دقیقه بود برای آن برنامه می‌ریختیم و مثلاً هر پنجشنبه ده دقیقه محیط نمازخانه را از نظر مرتب بودن بررسی و اقدامی کند. بهترین برنامه برای دانشجویانی که میخواهند بسیار درس بخوانند این است که اینها در اوقات فراغت طول هفته و در عید نوروز و تابستان بیایند و یک دوره‌ی مطالعاتی انجام دهند تا اینکه نسبت به مبانی انقلاب اسلامی توجیه باشند تا فردا که بر سر کار می‌روند با دغدغه و پشتکار مورد نیاز انقلاب کار کنند.

۴۲) درس و کار فرهنگی : سخن رهبری

بیانات در جلسه پرسش و پاسخ مدیران مسئول و سر دبیران نشریات دانشجویی ۰۴/۱۲/۱۳۷۷

البته دانشجویان بعد از درس خواندن، خیلی فعالیتها در دانشگاه میتوانند بکنند. بی رودربایستی باید به شما عرض کنم که اگر شما بخواهید درس خواندنتان را فدای این کارهایی بکنید که خیال میکنید خوب است - حالا یا خوب است، یا خوب هم نیست - بنده هیچ اعتقادی به این کار ندارم. درس، اول است. فلسفه‌ی حضور شما در آن جا درس خواندن است. اگر واقعاً دانشجویی درس نخواند، بلاشک بدانید که او مشغول ذمه است؛ یعنی ذمه‌اش مشغول مردم و خدا و همه است! هرکسی که سهمی در ایجاد این دانشگاه دارد، ذمه‌اش مشغول به اوست و باید پیش خدای متعال جواب دهد. حالا در دنیا ممکن است کسی یقه‌ی کسی را در این‌طور چیزها نگیرد؛ اما در روز قیامت یقیناً سؤال خواهند کرد که چرا درس نخواندی؟! پس، اول درس خواندن است. بلاشک درس خواندن همه‌ی وقت دانشجو را نمیگیرد؛ برای او وقتی باقی میماند که باید این وقت را برای مسائل فکری، برای مسائل سیاسی - البته سیاست بازی نمیگوییم - استفاده کند. کار سیاسی در دانشگاه نباید حالت افراط و تفریط داشته باشد. یک وقت هست که تفریطی وجود دارد؛ اصلاً دانشگاه همین‌طور مثل یک مرده است! این همه جوان وجود دارند که گاهی در مسائل سیاسی، نه موضعی میگیرند و نه حرفی میزنند! بنده در موقعی گفتم خدا لعنت کند کسانی را که دانشگاه را به این طرف سوق میدهند. یک وقت هم دانشجو را در همه‌ی مسائلی که هیچ ارتباطی با او ندارد - مسائل و مشکلات گوناگونی که مربوط به گروهها و جناح‌ها است - بیایند وارد کنند؛ از نیروی جوان او استفاده کنند و او را این طرف و آن طرف بکشانند؛ این هم به نظر من افراط است.

(۴۳) گاهی یک نیرو اثر ویژه‌ای می‌گذارد که مدیر ندارد : داستان حضرت یونس (علیه‌السلام)

وقتی حضرت یونس علیه‌السلام از قوم خود نا امید شد آنها را نفرین کرد و آنگاه سوار بر کشتی شد و به دریا رفت.

در راه طوفان دریایی رخ داد و بنا به رسم آن زمان قرعه کشی کردند تا یکی را در دریا بیاندازند و هنگامی که قرعه بنام حضرت یونس علیه السلام افتاد او را به دریا انداختند.

ماهی بزرگی به دستور خدا او را گرفت و حضرت یونس علیه السلام در شکم ماهی محبوس شد و پس از مدتی آن ماهی به اذن الهی حضرت را در ساحل همان سرزمین پیاده کرد، حضرت یونس علیه السلام دید که عذاب الهی قومش را در بر نگرفته است.

وقتی علت را خواستار شد، دید فردی از قومش که آدم خوبی بود پس از مشاهده علائم عذاب آن قوم را نصیحت کرد که چرا به گفته‌های حضرت یونس علیه السلام گوش نکردید؛ مردم پشیمان شدند و توبه کردند و خدا عذاب را از آنها برداشته است.

(۴۴) چگونه می‌توان کار کرد ولی خسته نشد و بالاترین مزد را نیز دریافت کرد

اجری که خداوند متعال می‌دهد، به مراتب بالاتر و ارزشمندتر و شیرین‌تر از اجر و مزدهایی است که در دنیا به انسان می‌دهند؛ چه اجرهای مادی و چه حتی تشکر. ممکن است یک وقت یک کاری بکنیم و مردم از ما تشکر کنند، این هم یک مزدی است، اما مزد الهی خیلی از اینها بالاتر است.

بدانید هر کاری می‌کنید، هر خدمتی که به مردم می‌کنید، این نزد خدای متعال مضبوط و محفوظ است. وقتی با این روحیه کار کنید، از کار خسته نمی‌شوید، کار، دیگر ما را فرسوده نمی‌کند.

(۴۵) گزینش نامحسوس

رهبر انقلاب : مواظب مجموعه خود باشد همه را بیاورید ولی یک گزینش نامحسوس نیز داشته باشید.

- این گزینش نامحسوس علی‌الخصوص در بخش انتخاب مدیران حتما توصیه می‌گردد.

- توجه : در کنار رئیس شورای اسلامی (به دلیل اینکه رئیس شورا خیلی سرش شلوغ است) یک فرد تحلیل گر و برنامه ریز قرار دهید تا این فرد با فراغ بال بیشتر برای مسایل، جزئیات کار و موارد زیر را برنامه ریزی کند:
۱. دلایل پیشرفت مجموعه های فرهنگی
 ۲. کتب مناسب برای مدیر، و اعضاء
 ۳. برنامه ریزی برای اوقات فراغت بچه ها از جمله روزهای تعطیل هفته و عید نوروز و تابستان از لحاظ مسائل آموزنده و دانشی و

داستانی از اساتید اخلاق پیرامون قرار دادن همت بلند در کارها و سطح بالا نگاه کردن.

روزی خدا به حضرت موسی علیه السلام فرمود: به سرزمین مصر برو و پیکر حضرت یوسف علیه السلام را بیاور. حضرت موسی علیه السلام به مصر رفتند و از هرکسی پرسیدند، کسی آنرا بلد نبود؛ یکی گفت: پیرزنی کور و ناتوانی را می شناسم که سن زیادی دارد شاید او بلد باشد، با حضرت پیش آن پیرزن رفتند.

حضرت موسی علیه السلام از پیرزن پرسید آیا شما نشانی قبر حضرت یوسف علیه السلام را داری؟ پیرزن گفت : بله.

حضرت گفت: پس ما را راهنمایی کن. پیرزن گفت : شرط دارد، حضرت گفت : هر چه می خواهی بگو. پیرزن گفت : اول اینکه خدا من را هم مقام تو در بهشت قرار دهد، و دوم اینکه من را یک جوان ۱۷ ساله کند. (حضرت موسی به پیرزن گفت : نمی خواهی بگی چرا شرط ناممکن می گذاری). از طرف خدا وحی آمد : ای موسی شرطش را بپذیر من از همت این بنده ام خوشم آمد. و حضرت موسی علیه السلام شرطش را پذیرفت.

- لذا دوستان تا می‌توانید همّت و دعا‌های خود را بالا قرار دهید و از خدا بخواهید. در روایات داریم که حتی نمک سفره‌تان را هم از خدا بخواهید.

(۴۸) اختلاف و عفو و بخشش

آقایان تا جایی که می‌شود از اختلاف‌ها بگذرید خیلی از این اختلاف‌ها که ما داریم اصلاً مباحث اصلی و کلیدی نیست و قابل گذشت است.

رهبری در سخنرانی در جمع مسئولان فرهنگی در سال ۱۳۷۳ صحبت قابل تامل دارند که یک بخش آن قابل توجه است و آن اینکه می‌فرمایند شاید شما با هم اختلاف داشته باشید ولی من شما را مجموع آن ۳۱۳ نفر می‌دانم؛ رهبر انقلاب به نوعی بر نقاط مشترک تاکید می‌کنند تا اختلاف؛

این اختلاف‌ها در یاران پیامبر نیز بود تا آنجایی که حدیث هست اگر آنچه سلمان میدانست به مقداد می‌گفت: مقداد یا سلمان را می‌کشت یا او را به کفر متهم می‌کرد.

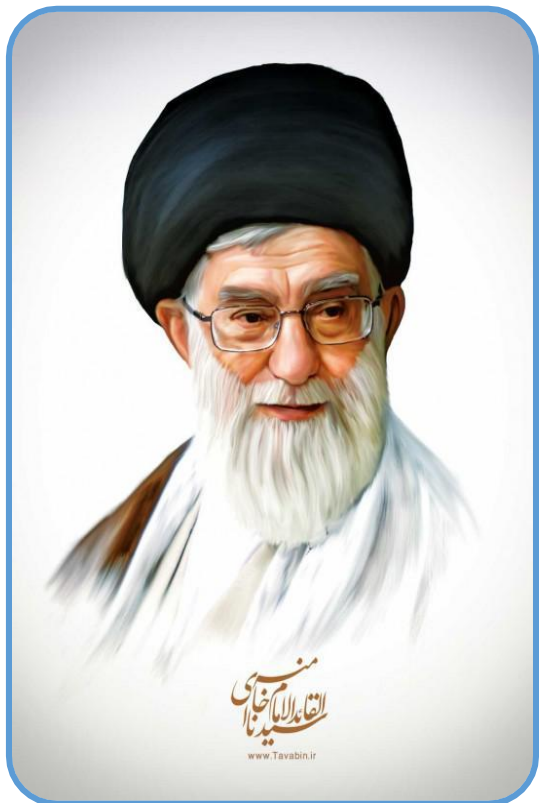
(البته این اختلاف در سطح بالایی از نظر کیفی بوده) لذا تا می‌توانید این اختلاف‌هایی که در فروع است هست را کنار بگذارید.

در حدیث داریم عیب برادر مومن را با ۷۰ دلیل تراشی نادیده بگیرید.
رهبر معظم انقلاب :

شاید بعضی از شما، همدیگر را هم نشناسید، یا با هم کار نکرده باشید و یا بعضی از شما، در بعضی دیگر، عیوبی را سراغ داشته باشید. به طوری که اگر بپرسند «حاضرید با بغل دستی خود کار کنید» بگویید: «نه. من با این فرد کار نمیکنم.» ممکن است این‌طور باشد و شما عیبی را در همدیگر ببینید. اما من که از یک نقطه‌ی دیگر به مجموعه‌ی شما که بعضی از شما شاعرید، بعضی از شما فیلم‌سازید، بعضی از شما نمایشنامه‌نویسید، بعضی از شما نویسنده‌اید، بعضی از شما موسیقی‌دانید و بعضی از شما سینماگرید، نگاه میکنم، عیوب احتمالی را - که شاید وجود داشته باشد، شاید وجود نداشته باشد - نمیبینم. من مجموعه‌ی شما؛ چه آخوندتان، چه غیرآخوندتان، چه زنتان، چه مردتان و چه جوان و پیرتان را - پیر، الحمدلله، خیلی ندارید - همان‌طور که گفتم - جمعی از آن سیصد و سیزده نفر را نمیبینم.

ما با فردی از یک هیات بسیار خوب صحبت می کردیم و از هیاتشان تعریف می کردیم به ما گفت : خیال نکنید من همه اش مثل شما فکر می کنم ما عیب هایی داریم ها! گفتیم : درست است ما نه که عیبی ندیدیم ولی خیر و خوبی آنها را بیشتر دیدیم.

رهبر معظم انقلاب :



دو سه جمله هم به شما بسیجی های عزیز و همه ی بسیجی های سراسر کشور عرض بکنم: من دعوت میکنم بسیجیان عزیز را به اخلاق. اخلاق یعنی چه؟ یعنی حلم و بردباری، صبر و مقاومت، صدق و صفا، شجاعت و فداکاری، طهارت و پاکدامنی. بسیجی ها برای اینکه اجزای این بنای استوار همچنان مستحکم بماند به این احتیاج دارند. اگر بخواهید این بنای رفیع همین طور مستحکم مثل دژ پایدار و استواری درمقابل دشمنان قرار بگیرد، باید این رعایتها را بکنید؛ بردباری نشان بدهید، صبر نشان بدهید، اخلاق نشان بدهید، طهارت نشان بدهید، الگوهای بزرگ صدر اسلام را درنظر بیاورید. ما باید از تکبر دوری کنیم، از تفرعن دوری کنیم. مالک اشتر با آن مقام، با آن شجاعت، با آن جایگاهی که نزد امیرالمؤمنین داشت، در کوچه حرکت میکرد، یک پسر بچه ای او را شناخت، مسخره اش کرد، شاید سنگ ریزه ای به طرفش پرتاب کرد؛ مثلاً دید یک آدمی دارد میرود، بنا کرد مسخره کردن؛ بعد

مالک اشتر رد شد، افرادی که آن منظره را دیدند، به پسرک گفتند فهمیدی چه کار کردی، فهمیدی چه کسی را مسخره کردی، پسر بچه مالک اشتر را نمی شناخت، گفت نه؛ گفتند این مالک اشتر بود؛ پسر بچه دستپاچه شد؛ حالا خودش تنها یا خودش و پدرش مثلاً یا دوستانش دوان دوان آمدند که یک جووری عذرخواهی کنند که برایشان مایه ی دردسر نشود؛ دنبال مالک اشتر راه افتادند، دیدند به مسجد آمده، دارد نماز میخواند؛ رفتند جلو و بنا کردند عذرخواهی کردن؛ مالک اشتر گفت من آمدم مسجد برای اینکه نماز بخوانم، دعا کنم که خدای متعال

خطای این جوان را ببخشاید! ببینید، این دلسوزی، این احساس مسئولیت، این حلم، این بزرگواری، اینها است. من و شما هم باید همینها را یاد بگیریم. بسیجی‌ها برای اینکه اجزای این بنای استوار همچنان مستحکم بماند به این احتیاج دارند. اگر بخواهید این بنای رفیع همین‌طور مستحکم مثل دژ پایدار و استواری درمقابل دشمنان قرار بگیرد، باید این رعایتها را بکنید؛ بردباری نشان بدهید، صبر نشان بدهید، اخلاق نشان بدهید، طهارت نشان بدهید، الگوهای بزرگ صدر اسلام را در نظر بیاورید. ما باید از تکبر دوری کنیم، از تفرعن دوری کنیم.

همچنین توصیه‌ی اکید میکنم به استحکام و عدم سایش اعتقادی و ایمانی و عملی؛ مراقب باشید. ماها در این مسیر زندگی، آنجایی که با وسوسه‌ها مواجه میشویم؛ وسوسه‌ی پول، وسوسه‌ی شهوات، وسوسه‌ی مقام، وسوسه‌ی رفاقت، ساییدگی پیدا میکنیم؛ سایش پیدا میکنیم مراقب باشید سایش اعتقادی پیدا نکنید، شما بر روی محیط اثر بگذارید، نگذارید آن محیط اگر بد است، روی شما اثر بگذارد. پروردگارا! آنچه را گفتیم و شنیدیم، برای خودت و در راه خودت و مقبول و مرضی خودت قرار بده؛ آنها را در دل ما - در درجه‌ی اول، دل خود من که گوینده‌ی این حرفها بودم، بعد هم در دل دوستان عزیز که حضور دارند - مؤثر و کارگر بفرما؛ ان شاء الله این روزها و این ساعات را مایه‌ی خیر و نفع ما در قیامت قرار بده و مایه‌ی حسرت ما در قیامت قرار مده. پروردگارا! قلب مقدس ولیعصر (ارواحنافداه) را از ما راضی و خشنود کن؛ روح مطهر امام بزرگوار را از ما راضی و خشنود کن؛ ارواح مطهر شهدای عزیز و گرانقدر انقلاب اسلامی را از ما و رفتار ما و عمل ما راضی و خشنود بفرما.

(۴۹) - بیست میلیون بار بهشت و بیست میلیون بار جهنم:

شهید رجایی در مورد حساس بودن کار مردم میفرمود: یا ما بیست میلیون بار به بهشت می‌رویم یا ما بیست میلیون بار به جهنم می‌رویم.

(۵۲) - نیت پاک

در مورد شهید چمران داریم که به فقرا کمک می‌کرد بدون اینکه بداند آیا واقعاً فقیر هست یا خیر و می‌گفت: من باید برای وظیفه‌ی خودم کار کنم نه حال آن شخص. در موارد که شک دارید واقعاً کسی فقیر است یا خیر؛ مقدار کمی کمتر کنید.

(۵۳) - تغییر راهبرد در جهت مناسب :

یکی از روحانیون می‌فرمود: ما که به حوزه شهرمان رفتیم، دیدیم عجب اوضاعی است، بچه‌های سال سه، چهار در این حوزه اصلاً در حد حداقلیات حوزه هم نبودند، و مایی که ریش داشتیم و نماز شب می‌خواندیم را مسخره می‌کردند .

گفتیم چکار کنیم و چکار نکنیم، رفتیم سراغ بچه‌های سال اول حوزه و کم کم آنها رو با خودمان همراه کردیم و خلاصه نگذاشتیم مثل سال بالاتری‌ها شوند، بعد از یه مدتی این بچه‌های سال اول اتفاقاً به ما می‌گفتند : ما را برای نماز شب بیدار کنید، و خلاصه اوضاع سال اولی‌ها خیلی خوب شد. تازه جالب هست بدانید حتی آن سال بالایی‌ها هم کم کم با ما دوست شدند و آمدند در خط ما.

(۵۴) لزوم صبر :

- هنگامی که شیخ بهایی از لبنان به اصفهان آمد، بر خلاف انتظارش، که فکر می‌کرد این شهر چون مرکز حکومت شیعیان در ایران است و باید شهر بسیار خوبی باشد، اینجا که همه دارند دزدی می‌کنند، و همه مغازه‌ها کم‌فروشی و گران‌فروشی می‌کنند!

خلاصه همان روزی که آمد تصمیم گرفت برگردد، داشت مقدمات رو فراهم می‌کرد که برگردد، یکی آمد به او گفت: یا شیخ، شما روز اصفهان را دیدی، صبر کن تا شب اصفهان را هم ببینی.

شیخ بهایی گفت: خوب باشه، شب اصفهان را هم می‌بینیم.

نصف شب که شیخ به مسجد رفت تا مناجات و نماز شب بخواند، دید در مسجد مملو و کیپ تا کیپ آدم نشسته دارد نماز شب می‌خواند.

از اینجا بود شیخ بهایی تصمیم گرفت در اصفهان بماند و آن خدمات عظیم را انجام دهد. شما هم روز دانشگاه را می‌بینید، اصلاً رفتید نمازخانه خوابگاه و نیمه شب را هم ببینید؟.

۵۶) برنامه‌ریزی برای سنهای مختلف :

- برای کودکان برنامه‌های جدا ، برای نوجوان برنامه‌های جدا و برای جوانان برنامه‌های جدا و برای بزرگسالان و پیرمردان برنامه‌های جدا بگذارید.
- برخی برنامه برای این قشرهای متفاوت:
- کودک: بازی ، تفریح، جایزه و اردو.
- نوجوان : کلاس قرآن، احکام، نهج البلاغه + بازی، تفریح، جایزه و اردو، مسابقات و برنامه های ورزشی، مسئولیت دادن برای انجام کارها، آموزش‌های علمی، درسی ، فنی، مستند ، گیم نت ، فیلم ، فوتبال دستی
- جوان : برنامه های مطالعاتی ، فکری ، گفتگو ، مستند ، گیم نت
- بزرگسال: استفاده از توان مالی
- پیرمردها : تایپ کردن مطالب خوب ، دوخت و دوز لباس برای کمک به بچه‌های فقیر

۵۹- لزوم صبر در کار فرهنگی :

- ما یک امام جمعه‌ای داشتیم که بسیار در شهرستانی که قبلاً آنجا کار می‌کرد و بسیار موفق بود؛ ولی بعد از چند ماهی بنده خدا از دست مسئولین و مشکلات خسته شد.
- پسرش تعریف می‌کرد و می‌گفت: پدر ما رفت قم پیش یکی از اساتید ، و گله و شکایت کرد و کسب تکلیف کرد که چکار کنم ؛
- اون استاد فرمود : اگر میتوانی برو جلوی حرم حضرت معصومه سلام‌الله‌علیها و امام رضا علیه‌السلام بایست و بگو : خسته شدم.
- فرزند ایشان گفت : پدر ما که جرات نکرد برود، بالاخره اون که به اندازه‌ی ائمه مصیبت ندیده بود.
- امام جمعه پس از این داستان قصد کرد در شهرستان بایستد و کار را ادامه دهد، خدا را

شکر الان واقعا کارهای کم نظیری کرده و حتی تکیه‌اش را بر روی مردم آورد و مردم به طور نسبتاً خوبی حمایت کردند.

۶۰- ظرفیت مسئولیت داشتن

امام خمینی: که خدایا قبل از اینکه آدم ظرفیتش را پیدا نکرده ، دنیا به او روی نیاور .

۶۱- تدبیر بسیار کارساز برای جلوگیری از اختلاف

- هنگامی که حضرت آیت‌الله‌خامنه‌ای رهبر شدند، حضرت آیت‌الله فاضل لنکرانی نیز به عنوان یک چهره بسیار شاخصی برای رهبری نیز مطرح بودند حضور داشت.

گاهی کسانی پیش آیت‌الله فاضل می‌آمدند و مسایلی را مطرح می‌کردند که چرا شما را رهبر نکردند و فضای سخن‌چینی راه انداخته بودند ؛

حضرت آیت‌الله فاضل خیال همه سخن‌پراکنندگان را راحت کرد و نامه‌ای به آیت‌الله‌خامنه‌ای نوشت و در نامه بیان داشتند که: اگر کسی گفت که آقای فاضل این انتقاد را از رهبری کرده‌اند، بدانید دروغ گفته است، ما اگر چیزی باشد مستقیماً به خود شما عرض می‌کنیم. (من الله توفیق)

این یک تدبیر است بین دو نفر که جایگاه بالایی در مسجد یا محله وجود دارد و راه را بر شیطنتها می‌بندند و واقعاً دو نفر که جایگاه بالا دارند واقعا باید چنین تدبیرهایی کنند وگرنه فضا مشوش می‌شود.

۶۲- چند حدیث

- امام باقر علیه‌السلام : سستی و کاهلی به دین و دنیا ضربه می‌زند.

- پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله : بر امت خود از چند چیز بیش از چیزهای دیگر بیم دارم: ۱- ضعف در ایمان

۲- شکم پرستی ۳- خواب آلودگی

- صلوات بلند فرستادن نفاق را از بین می‌برد. لذا دوستان هم خود و هم بچه‌های مجموعه‌تان بلند صلوات بفرستید.

پیامبر اکرم به حضرت علی‌علیه‌السلام فرمود:

- یک زمانی می‌آید که مردم دنبال کثرت اعمال‌اند، تو دنبال اخلاص عمل باش، مردم دنبال عیب دیگرانند، تو دنبال عیب خود باش، مردم به دیگران وابسته‌اند، تو به خالق وابسته باش.

۶۳- توکل بر خدا

- در داستان داریم که حضرت موسی علیه‌السلام، آیامی را مریض شدند، از خدا خواستند تا شفایی قرار دهد،

خدا نیز به حضرت فرمودند: برو و فلان گیاه رو بخور.

حضرت موسی علیه‌السلام رفتند و آن گیاه را خوردند.

بعدها دوباره حضرت موسی علیه‌السلام دوباره همان مریضی را گرفتند و این دفعه نیز رفتند همان گیاه را خوردند ولی اثر نکرد.

از خدا پرسید: خدایا چرا خوب نشدم، خدا فرمود: زیرا این دفعه بدون درخواست به ما رفتی و به آن متوسل شدی!

لذا در همه حال و حتی در حالی که توانایی لازم را برای انجام کارها را دارید، توسل را فراموش نکنید.